

## اثربخشی آموزش دلبستگی محور مادران در افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان

هادی محمدلو<sup>۱\*</sup>؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

سعید قنبری؛ استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

مجتبی حبیبی؛ استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

**مقدمه:** مهارت‌های اجتماعی بخش مهمی از حوزه رشد فردی است و کمبود آن در دراز مدت ضربه شدیدی به کودک وارد می‌کند. مهارت‌های اجتماعی بیشتر به عنوان مجموعه پیچیده‌ای از مهارت‌ها در نظر گرفته شده است و سه مؤلفه مشارکت، ابراز وجود و مهارت خود را در برمی‌گیرد که شامل ارتباط، حل مسأله، تصمیم‌گیری، خود مدیریت، جرأت-ورزی، تعامل با همسالان و گروه می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ۵۰ درصد از کودکان پیش دبستانی وقتی وارد مهدکودک می‌شوند، فاقد مهارت‌های اجتماعی مطلوب هستند، به همین خاطر مهارت‌های اجتماعی به وضوح نیازمند آموزش می‌باشد. یادگیری این مهارت‌ها وابسته به بافت و موقعیت خاص فرد است، زیرا مهارت‌های اجتماعی مختلف در موقعیت‌های مختلف و تکالیف گوناگون حایز اهمیت است. یکی از عواملی که بر مهارت‌های اجتماعی تأثیر فراوانی دارد، دلبستگی خانواده و والدین به خصوص دلبستگی مادر است. دلبستگی گرایش انسان به ایجاد پیوندهای عاطفی و روانی قوی و ارتباط پایدار با افراد بخصوص در زندگی است، به گونه‌ای که از تعامل با آنها احساس نشاط، و به هنگام استرس در کنار آنها احساس آرامش به دست آید. اگر والدین دارای سبک دلبستگی ایمن باشند، به نیازهای کودکشان حساس و میزان پاسخگویی به او بالا می‌رود که تأثیر مثبتی بر مهارت‌های اجتماعی کودک می‌گذارد و منجر به افزایش تحول مهارت اجتماعی کودک می‌گردد. به همین خاطر پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش دلبستگی محور مادران در افزایش مهارت‌های کودکان پیش‌دبستانی انجام گرفت.

**روش:** پژوهش حاضر یک پژوهش شبه آزمایشی بود و جامعه آماری آن را تمام مادران کودکان پیش دبستانی منطقه یک و دو استان تهران تشکیل می‌دادند. در ابتدا پس از کسب مجوز از سازمان بهزیستی استان تهران پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت در ۲۳ مهدکودک منطقه یک و دو استان تهران توزیع و تعداد ۲۶۰ پرسشنامه از مادران جمع‌آوری شد، پس از وارد کردن اطلاعات در نرم‌افزار SPSS، تعداد ۳۰ مادر که نمره آنها در مقیاس مهارت‌های اجتماعی کودک فرم والد، یک انحراف معیار پایین‌تر از میانگین بود، انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار

گرفتند. سپس آموزش دلبستگی محور والدین به مدت ۸ هفته و هر هفته یک جلسه به مدت ۲ ماه به مادران گروه آزمایش آموزش داده شد، و یک ماه بعد از مداخله برای ماندگاری اثر مرحله پیگیری به عمل آمد.

**یافته‌ها:** برای تحلیل داده‌ها از آزمون اندازه‌گیری مکرر چندگانه استفاده شد. نتایج حاکی از تفاوت معنادار میانگین مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش با گروه گواه در مرحله پیش‌آزمون تا مرحله پس‌آزمون و از پس‌آزمون تا مرحله پیگیری در سطح ۵٪ بوده است ( $F=47.137, P<0.001, \eta^2=/.85$ ). هم‌چنین تک تک مقیاس‌های مهارت اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت که نشان داد میانگین مهارت‌های اجتماعی در زیر مقیاس‌های: همکاری، مسئولیت‌پذیری، جرأت-ورزی و خودکنترلی در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته و این روند در مرحله پیگیری نیز در سطح ۵٪ پایدار بوده است، اما در گروه کنترل هیچ کدام از زیر مقیاس‌ها در سطح ۵٪ معنادار نبود. برای مقایسه زوجی از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد که نشان داد میانگین پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش داشته ولی در مرحله پیگیری نسبت به پس‌آزمون کاهش داشته است اما در مقایسه با پیش‌آزمون معنادار بوده است که این نشان‌دهنده آن است که آموزش دلبستگی محور در زیر مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی نیز تأثیر مثبتی داشته است.

**بحث و نتیجه‌گیری:** مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان اثربخشی روش آموزش دلبستگی محور مادران بر افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از افزایش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در مرحله پس‌آزمون بود و این بهبودی در طول زمان مرحله پیگیری نیز ادامه داشت، که همسو با پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش دلبستگی محور مادران با افزایش رفتارهای اکتشافی در کودکان و هم‌چنین افزایش حساسیت و پاسخدهی مادر به نیازهای کودک باعث آرامش روانی در کودک و کاهش مشکلات رفتاری و سلامت روانی و افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم آموزش دلبستگی محور مادران روش مناسبی است که از طریق آن می‌توان کاستی‌های مهارت اجتماعی را در کودکان جبران کرد و باعث افزایش این مهارت در کودکان شد.

**واژه‌های کلیدی:** دلبستگی، مهارت‌های اجتماعی، کودکان پیش‌دبستانی.